

## گفتمان جامعه پاک:

### شالوده‌شکنی سیاست نمایش بدن زنانه در دوره پهلوی

سیدحسین سراج‌زاده<sup>۱</sup>  
محمدجواد غلامرضا کاشی<sup>۲</sup>  
مینا هلالی ستوده<sup>۳</sup>

تاریخ دریافت: ۹۰/۱۰/۲۴ تاریخ پذیرش: ۹۱/۲/۱۰

#### چکیده

مقاله حاضر به مطالعه گفتمان مقاومت در مقابل شبه مدرنیته نظام پهلوی می‌پردازد. الگوی نظارت بر تن زنانه، محور این مطالعه هم در بررسی ساختار گفتار حاکم و هم گفتمان مقاومت است. با استفاده از نظریه فوکو در مورد مناسبات قدرت و بدن و نیز نظریه گفتمانی لاکلا و موفه سعی شده تا مرزهای معنایی برساخته شده حول مدلول تن زنانه درون بستری از منازعات و رخداد‌های اجتماعی-سیاسی دوران پیش از انقلاب، ترسیم شود. این تحلیل نشان داد که پهلوی دوم در انقلاب سفید با بهره‌گیری از تن نمایشگر زنانه اراده به غربی‌سازی جامعه ایرانی را پیش برد. این گفتمان که در متن جامعه در حال تکوین و انتشار بود از سوی حاشیه سنتی مورد هجوم قرار گرفت؛ مواجهه این دو گفتمان منجر به ظهور گفتمان سومی شد که با توجه به قوت استعاره‌اش از عوامل تأثیرگذار در پیروزی انقلاب اسلامی شد. این گفتمان با طرد سنت و تجدد به معنای رایج آن الگوی نویی را ترسیم کرد که توانست اغلب گروه‌ها را ذیل چتر استعاره خود برای ایجاد جامعه‌ی آرمانی هم صدا سازد.

واژگان کلیدی: تن زنانه، گفتمان، تجدد و سنت، جامعه پاک، حاشیه و متن.

۱. دانشیار جامعه‌شناسی دانشگاه خوارزمی (تربیت معلم تهران) [Serajsh@yahoo.com](mailto:Serajsh@yahoo.com)

۲. استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی.

۳. کارشناس ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه خوارزمی (تربیت معلم تهران) [sotoodem@yahoo.com](mailto:sotoodem@yahoo.com)

## طرح مسئله

ساختار ذهنیت اجتماعی و تاریخی ایرانیان، زنان و آنچه را به آنان متعلق است در عرصه خصوصی موضوع تأمل قرار می‌داده است. با این همه پوشش زنان از دوران استقرار سلسله پهلوی تا امروز یکی از موضوعات محوری در عرصه عمومی است. برداشتن حجاب زنانه در دوره پهلوی، و تأکید بر رعایت موازین حجاب در دوران استقرار جمهوری اسلامی ایران به معنای ورود مسئله زنان به عرصه عمومی است. آنچه در این جا محل توجه است اثبات محوریت آن در ایران مدرن و دلایل این محوریت در عرصه عمومی است.

زنان و پوشش آنان در هر نظم اجتماعی حاوی نشانگان فرهنگی و اجتماعی است. اما ایفای نقش آن به منزله وجه کانونی کثرتی از نشانگان فرهنگی و اجتماعی و مهم‌تر از همه سیاسی، روایت‌گر طبع و ساختار نظام معانی در یک ساختار فرهنگی خاص است. توجه به پوشش زنان از این حیث حائز اهمیت است که می‌تواند دریچه‌ای بر عرصه ناخودآگاه جمعی بگشاید.

حساسیت نسبت به مقوله پوشش تنها یک حساسیت سنتی است؟ یا باید ریشه این مسئله را در مشخصات سیاست مدرن در یک جامعه سنتی مشاهده کرد. گفتارهای سیاسی مدرن تا چه حد در تولید این حساسیت ایفا نقش می‌کنند؟ قواعد ناظر به گردش گفتارهای بسیج‌کننده در عرصه منازعات سیاسی تا چه حد در این زمینه نقش دارند؟ این‌ها پرسش‌هایی است که در این مقاله با آن‌ها سروکار داریم. برای پاسخ‌گویی به این پرسش‌ها پس از ذکر چارچوب مفهومی و روش‌شناسی تحقیق، زمینه‌های ظهور انقلاب سفید توسط محمد رضا شاه مرور می‌شود و با توجه به نقش تن زنانه در عرضه صورت‌بندی تازه حاکمیت توسط نظام پهلوی الگوهای مقاومت در مقابل روایت مذکور تحلیل می‌شوند. این تحلیل نشان خواهد داد که یکی از محورهای اصلی تنازع سیاسی و اجتماعی در دوران پهلوی، تن زنانه بوده است. با جمع‌بندی این یافته‌ها، از نسبت میان گفتارهای بسیج‌کننده و مقوله پوشش زنانه پرده بر خواهیم داشت.

### چهار چوب مفهومی

با افزایش اهمیت "خود"<sup>۱</sup> که بیشتر محصول جامعه مدرن است، بدن به‌عنوان ظاهری‌ترین حامل خود جایگاه ویژه‌ای یافت. تأکید بر بدن به‌مثابه یک تصویر، نشانگر شکل‌های مدرن تمایز و تشخیص اجتماعی شده است (کیوان‌آرا، ۱۳۸۶: ۷۸). این تلقی، امکان بدل شدن بدن به نظامی از نشانه‌ها و حمل معانی کلان را در خود می‌پروراند، از این رو است که بدن و متعلقات آن بستری مستعد برای منازعات جدی اجتماعی، فرهنگی و سیاسی را فراهم می‌آورد. در این میان بدن زنانه به‌واسطه سلطه وجه فرهنگی و نمادین آن اهمیتی ویژه می‌یابد.

بدن در جامعه‌شناسی به دو شیوه جامعه‌شناسی بدن و جامعه‌شناسی تنانگی مورد مطالعه قرار گرفته است. رویکرد نخست، بدن را به مثابه نظام نمادینی می‌داند که از سوی قدرت مورد هدف قرار گرفته است. رویکرد دوم اشاره به تحلیل‌های اجتماعی و فرهنگی در خصوص نحوه بازنمایی بدن در جامعه دارد (غراب، ۱۳۸۸: ۱۳ و ۱۴). این رهیافت بدن را به مثابه یک برساخته گفتمانی در نظر می‌گیرد، که درون گفتمان‌های خاص مفصل‌بندی شده و در پرتو آن هویت‌ها و معانی جدیدی خلق می‌شود که نسبت به معانی و هویت‌های برساخته در دیگر گفتمان‌های هم‌سو، متفاوت و یا متعارض است.

چنین برداشتی از تن که فرایند ساخت و بازتولید آن را در پیوند با روابط قدرت موجود در گفتمان‌ها قرار می‌دهد، باتأسی از آراء میشل فوکو، به ویژه رویکرد خاص او در تبارشناسی<sup>۲</sup> رواج یافته است (دریفوس و رابینو، ۱۳۸۷: ۲۴). از نظر فوکو بدن مکان تبار است، رد و اثر هر رویدادی در گذشته بر بدن یافت می‌شود، از همین منظر است که بدن را جولانگاه ظهور و بروز قدرت می‌انگارد و (متأثر از نیچه) آن را محل ثبت رویدادهایی که به وسیله زبان نشان داده می‌شوند) می‌داند (خالقی، ۱۳۸۱: ۲۱۷).

از نظر فوکو قدرت، نوعی چسبیدگی بلا فصل با بدن دارد (فاتحی و اخلاصی، ۱۳۸۹: ۶۲)، از نظر او، بدن پایگاهی است که در آن گفتمان‌ها مستقر می‌شوند؛ بدن جولانگاه مبارزه با گفتمان‌هاست (میلز، ۱۳۸۹: ۱۳۲).

1. Self  
2. Genealogy

## مدل روش‌شناسی

این مقاله درصدد مطالعه ساختارهای گفتمانی مقاومت در مقابل نحوه نظارت بر تن زنانه در متون منتشره دوران پیش از انقلاب اسلامی است. پیش از هر چیز ضروری است مقصود از گفتمان و به تبع آن تحلیل گفتمان در این مقاله تبیین شود. گفتمان با توجه به پیشینه فوکویی این مفهوم و موضوع این پژوهش که پوشش زنانه است می‌تواند مطالعه کردارهای گفتمانی لحاظ شود که مقصود از آن مطالعه گفتارهای پیوسته با شبکه‌ای در هم تنیده از کردارها و ترتیبات عینی است. در این مقاله چنین معنایی دست کم در روش‌شناسی تحلیل مطمح نظر نیست. مقصود از گفتمان در این تحلیل به ندرت به ترتیبات و کردارها توجه کرده است و بیشتر تحلیل زبان‌شناختی گفتمان مطمح نظر بوده است. این معنا از گفتمان بیشتر به کاویدن ساختارهای معنایی توجه می‌کند. به این معنا به فهم معانی برساخته شده از بدن توجه کرده‌ایم.

به منظور فهم معانی برساخته شده از بدن در هر شرایط اجتماعی خاص، با الهام از رویکرد لاکلا و موفه توجه خود را بیشتر به نظامهای معنایی یا معرفتی معطوف می‌سازیم که گزاره‌های متنی در چهارچوب آنها تولید، تکرار و تثبیت و یا دچار تحوّل می‌شوند. آنان مدل زبان‌شناسی سوسور و ساختارگرایی فوکو را به عرصه سیاست کشانده و با استفاده از ابزارهای مفهومی چون مفصل‌بندی، واسازی، غیریت‌سازی، سلطه، منطق هم‌ارزی، هم‌مونی و امر سیاسی به ساخته شدن معنا و هویت از قبل چگونگی تثبیت رابطه دال‌های شناور در فضای گفتمان‌گونگی با دال‌های مرکزی، درصدد توضیح و تبیین چگونگی تهوّر گفتمان از زوایای متفاوت برآمدند.

مفاهیم اصلی نظریه گفتمانی لاکلا و موفه را می‌توان به‌صورت زیر مشخص کرد:  
مفصل‌بندی<sup>۱</sup>: ناظر به فرآیندی است که طی آن دال‌های شناور که به تنهایی به معنای خاصی ارجاع ندارند درون یک نظم زبانی منطقی قرار می‌گیرند و هویت جدیدی کسب می‌کنند (یورگنسون و فیلیپس، ۲۰۰۲، ۱۲۶).

زنجیره هم‌ارزی و تفاوت<sup>۱</sup>: ناظر به ظهور نظم گفتمانی جدیدی به‌واسطه شکستن زنجیره هم‌ارزی موجود در نتیجه ورود عناصر مفصل‌بندی نشده به‌صورت‌بندی‌های گفتمانی در حال ظهور است (یورگنسون و فیلیپس، ۲۰۰۲: ۲۶۰).

غیریت‌سازی: به معنای نفی و طرد گفتمان‌های دیگر از سوی گفتمان خاص است (هوارث ۱۳۷۷، ۱۶۵). بنابراین غیریت‌سازی معلول برخورد گفتمان‌ها در خلق معنای خاص برای نشانه‌هاست (سلطانی، ۱۳۸۷: ۹۴).

اگرچه نظریه فوکو و لاکلا و موفه از نظر گفتمانی از سنخ اندیشه‌های پسا‌ساختارگرا قرار دارند (لزر، ۲۰۰۸: ۹۲) و در برساخت واقعیت مورد مطالعه به لحاظ نظری کارآمد هستند، اما به لحاظ روش‌شناختی و ابزارهای تحلیل دچار محدودیت هستند. اولی به‌واسطه عدم وضوح ابزارهای تحلیل، نامشخص بودن میزان تأکید بر زمینه و متن (گیون، ۲۰۰۸: ۲۱۸-۲۱۹) و دومی به‌واسطه کلان بودن در موضوع مورد بررسی کارایی مورد انتظار را ندارند. از این رو علاوه بر لاکلاو و موفه در طراحی بخش روش‌شناسی بر مبنای مدل سه سطحی فرکلاف (۲۰۰۵) نیز تکیه کرده‌ایم و به مطالعه تحولات گفتمانی نظارت بر تن زنانه خواهیم پرداخت.

الف. ظهور گفتمان‌ها/ روایت‌ها به‌عنوان "ترجمه‌ها/ خلاصه‌ها" یا ساده‌سازی واقعیت‌های پیچیده، در پیوند با شیوه‌هایی که آن واقعیت‌ها را در مقیاسی جدید بازسازی می‌کند.

در این سطح، تأکید اصلی بر متون متعلق به نخبگان سیاسی است. موضوعیت، بداعت و جدی بودن از مهم‌ترین معیارهای انتخاب متن نمونه است که براساس مؤلفه‌های فوق تحلیل شده و معانی کانونی هر یک به‌منظور تعیین مرزهای معنایی موضوع مورد بررسی از آن استخراج می‌گردد.

ب. فرایند سیاسی به‌دست آوردن وجه برای گفتمان/ روایت، انتشار و کشمکش هژمونیک آن.

متون منتشر شده در روزنامه‌ها و مجلات تخصصی زنان و نیز نشریات جدی گروه‌های سنتی به‌عنوان محل رقابت گروه‌های نخبه برای اعمال قدرت ترغیبی و کنترل ذهنی

مخاطبان خود و مشارکت در تولید و بازتولید معنای تن زنانه در فاصله سال‌های ۱۳۴۱ تا ۱۳۵۷ پی‌گیری خواهد شد.

ج. بازسازی گفتمانی عناصر غیر گفتمانی واقعیت‌ها، مادی کردن، نهادمند کردن، قانون وضع کردن، ارائه چارچوب برای عمل و تلقین کردن (وجدان جمعی) (فرکلاف، ۲۰۰۵: ۵۶-۵۷).

در این سطح، به‌منظور نشان دادن موقعیت گفتمان‌های موجود از حیث تحقق یا به‌عبارت بهتر قرار گرفتن در موقعیت هژمونیک به مطالعه جایگاه آن درون مناسبات قدرت رسمی، گستره مخاطبان آن، ابزارهای مورد استفاده در نهادینه کردن هویت‌ها و معانی برساخته خود در بستر مناسبات اجتماعی می‌پردازیم.

ذکر این نکته ضروری است که با شناسایی رابطه حاشیه و متن می‌توان به درستی سرشت یک ساختار پرتنازع را تعیین کرد و از چند و چون و تعاملات پیچیده و تحولات محتمل آن سخن به میان آورد (غلامرضا کاشی، ۱۳۸۹: ۱۱-۱۲). از این رو سعی خواهد شد که این رابطه در دوره مورد بررسی نشان داده شود.

#### دال‌های هم‌نشان، در گفتار شبه مدرنیته پهلوی

نگاهی هرچند گذرا به تاریخ مواجهه با تنظیمات تن زنانه در ایران، حکایت از آن دارد که به رغم تلاش‌های انجام شده در گفتمان سنتی در دوره صفویه برای زدودن تن زنانه از عرصه عمومی، جامعه در اولین مواجهات خود با پدیده تجدد در عصر مشروطه دچار دوگانگی می‌شود. از همین جاست که تن زنانه به محل نزاع آشکار کشمکش‌های سیاسی و اجتماعی تبدیل می‌شود. دوره پهلوی اول و به‌طور جدی‌تر دوره پهلوی دوم با اعطای حق رأی به زنان، تن زنانه را با الگویی متجدد و از پیش طراحی شده به عرصه عمومی فرا می‌خواند. اما این مسئله متأثر از گفتمان هژمونیک تجدد در سراسر کشور و عدم سازگاری آن با بستر فرهنگی، مذهبی و تاریخی جامعه، از یکسو و وجود محدودیت‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی موجود در جامعه، تنظیمات مطرح شده از جانب این گفتمان را با بی‌اعتباری و مقاومت روبه‌رو ساخت تا جائی که از دل همین گفتمان متجدد گفتمانی برساخته شد که رقیب اصلی آن و عامل مهم در برافکنده شدن کل نظام سلطنتی و شکل‌گیری انقلاب اسلامی بود.

محمد‌رضا پهلوی متأثر از نیازها و مشکلات داخلی کشور و به‌طور عمدۀ ناشی از فشارهای دیپلماتیک آمریکا در راستای سیاست‌های دوران جنگ سرد اقدام به اجرای اصول انقلاب سفید کرد (فوزی، ۱۳۷۹: ۱۴۲ و ۱۴۴). از مهم‌ترین اجزای سناریوی انقلاب سفید فراخواندن زنان به عرصه عمومی بود، عنصری که پیش از آن در نظام معنایی سنتی حاکم بر تنظیم مناسبات اجتماعی در جامعه ایران وجود نداشت.

در پی فرمان شش ماده‌ای شاه که از آن تحت عنوان انقلاب سفید یاد می‌کرد شاه در حضور اعضای جمعیت‌های زنان در مقابل کاخ مرمر گفت «از چندی پیش ما دست به انقلابی همه‌جانبه زدیم که به کلی اجتماع کهن ایران را دگرگون ساخت و ما را از عقب‌ماندگی به دنیای قرن بیستم پرتاب کرد. این انقلاب ثبت نمی‌شود، اگر ما نصف جمعیت کشور را در خموشی و عقب‌ماندگی رها می‌کردیم» (پیرنیا، ۱۳۷۴: ۱۱۱).

همچنین او در کتاب *انقلاب سفید می‌گوید*: «انقلاب ما وظیفه‌ای را که در مورد زنان ایرانی بر عهده داشت، با آزاد کردن آنان از قید زنجیرهای کهن و دادن امکان هرگونه فعالیت و پیشرفت به ایشان در همه شئون مادی و معنوی اجتماع ایران انجام داد» (پهلوی، ۱۳۴۵: ۱۱۰).

او در ادامه از جایگاه زنان در اسلام سخن می‌گوید و در این زمینه به برخی آیات و روایات در تمجید از زنان اشاره می‌کند و ظلم دیگر به زنان را در نتیجه تحریف «روح تعالیم عالیہ اسلام» از سوی «یروهای ارتجاعی» ذکر می‌کند. وی حجاب را «مانع اصلی زنان از شرکت در زندگی اجتماعی» می‌داند و از عملکرد پدرش در کشف حجاب دفاع می‌کند. گرچه وی بعدها در کتاب پاسخ به تاریخ نوشت: «اگر بعضی از زنان خود آزادانه بخواهند چادر به سر کنند، امری طبیعی است و من هرگز مخالف آن نبوده‌ام» (پهلوی، بی-تا: ۱۶۲).

سال ۱۳۵۵ اوج سیاست‌های ضد حجاب پهلوی به شمار می‌رود. در این سال رسماً دولت طرحی را در زمینه کشف حجاب تدوین کرد و بلافاصله بخش‌نامه آن را برای اجرا به ادارات مربوط ارسال نمود (نشریه ۱۵ خرداد، ۱۳۷۴: ۶۴-۶۵).

این الگوی تن‌نمایشگر نوظهور در کلام شاه با دال‌های ترقی و توسعه، احقاق حق، مدرن بودن، رهایی از عقب‌ماندگی هم‌نشان می‌شود و در مطبوعات ویژه زنان-اطلاعات بانوان و زن‌روز-انعکاس پیدا می‌کند.

به‌عنوان نمونه مجله زن روز مسابقه دختران شایسته را به‌عنوان نشانه‌ی رهایی از عقب‌ماندگی و پیشرفت معرفی می‌کند «دختران، آوای پیروزی از دور به گوش می‌رسد!... مسابقه انتخاب دختران شایسته ایران که یک رقابت مشروع و هیجان‌انگیز و سازنده برای درهم شکستن عقب‌افتادگی‌ها و عقده‌های زن حرم‌سرای است با شوق و رغبت استقبال می‌کند» (زن روز: ۱۳۵۴، ش: ۶۷۳). یا مجله اطلاعات بانوان برهنه شدن را وسیله‌ای برای احقاق حق زنان می‌داند «۱۵۰ زن لخت شدند که حقوق خود را از مردان بگیرند!» (اطلاعات بانوان، ۱۳۵۰: ش: ۷۴۰). همچنین در تیتیری ویژگی مهم یک کشور مدرن و پیشرفته را آزادی جنسی و برهنگی زنان معرفی می‌کند «در سرزمینی که سکس مرزی ندارد! در سرزمینی که هر دو دقیقه یک هواپیما را می‌پذیرد، حتی یک لباس دوخته شده از پرچم بر اندام خانم‌ها دیده نمی‌شود» (همان، ۱۳۵۱: ش: ۷۹۴).



نمودار شماره ۱۵. مفصل‌بندی گفتمان پهلوی



ملاحظه می‌شود که در این ساختار هم نشانی، تن نمایشگر زنانه به‌طور کلی دال یک جامعه توسعه‌یافته و یک روز و روزگاری به کلی نو و تازه است.

ساختار گفتاری پهلوی، پیش از تعارضات بیرون از ساحت گفتمانی، از تعارضاتی در درون رنج می‌برد. از حیث درونی این ساختار هم نشانی، با ساختار پدرسالارانه حاکمیت او سازگاری نداشت. منتقدان آن روزگار از منظر همان دال‌های شناور مشارکت و توسعه نظام پهلوی را به یک نظام دیکتاتوری متهم می‌کردند. جالب توجه است که حتی خود شاه نیز به ساختار هم نشانی مذکور ایمان نداشت. هنگامی که محمدرضا شاه به اورینا فالاچی در رابطه با اقداماتش درباره زنان سخن می‌گوید، خوبی زن را در زیبایی و فریبندگی او می‌بیند و اظهار می‌کند، زن‌ها تنها از نظر قانونی با مردها برابرند نه از نظر توانایی؛ و مثال می‌آورد که زن‌ها یک میکل آنژ، باخ یا حتی یک سرآشپز در میان خود نداشته‌اند (فالاچی، ۱۳۵۷). بدین‌سان با صراحت، خود از ناسازه درونی کلام خود سخن به میان می‌آورد. دایره هم نشانی‌ها را تنگ می‌کند و ساختار مذکور را به جوانب حقوقی و از آن مهم‌تر به فریبندگی و زیبایی تقلیل می‌دهد.

دقیقاً همین شکاف در درون ساختار گفتمانی است که الگوهای مقاومت در بیرون را سبب می‌شود و این نکته‌ای است که به آن خواهیم پرداخت.

#### تکوین گفتمان مقاومت

نظام پهلوی، تن نمایشگر زنانه را دال کانونی گفتمانی قرار داد که از پیشرفت و ترقی و غربی شدن سخن می‌گفت. گفتمان مقاومت نیز از نقطه عزیمت همین دال کانونی فرایند ظهور تدریجی خود را آغاز کرد. گفتمان مقاومت با اختیار دو استراتژی هم‌زمان تکوین خود را آغاز کرد:

اول. تغییر ساختار هم نشانی‌های تن نمایشگر؛

دوم. صورت‌بندی گفتمانی تازه بر مبنای تن زنانه.

#### تغییر ساختار هم نشانی‌های تن نمایشگر

آیت‌الله خمینی مهم‌ترین چهره‌ای است که در مقابل انقلاب سفید شاه مقاومت می‌کند. نکته مهم در کلام ایشان، تغییر ساختار هم نشانی‌های پهلوی است. در کنار آن مجله

مکتب اسلام نیز به‌عنوان کانون جدّی سخن‌پراکنی از جناح سنتی نقش مؤثری ایفا می‌کند. مطالعه این متون حاکی از ظهور دال‌های هم‌نشان تازه است.

آیت‌الله خمینی نوع آزادی‌های پهلوی در مورد زنان را زیر سؤال می‌برد: «آنان که تمدن و تعالی مملکت را به لخت شدن زن‌ها در خیابان‌ها می‌دانند و به گفته بی‌خردانه خودشان، با کشف حجاب نصف جمعیت مملکت کارگر می‌شود (لکن چه کاری همه می‌دانید و می‌دانیم)...» (کشف‌الاسرار، بی‌تا: ۲۲۳).

همچنین ایشان در جلسهای دیگر در جمع دانشجویان عضو انجمن اسلامی دانشگاه تهران به افشای ماهیت اصلاحات ارضی، آزادی زنان و آزادی بیان رژیم شاه این‌گونه اظهار می‌دارند: «... موضوع حق شرکت دادن زنان در انتخابات مانعی ندارد؛ ولی حق انتخاب شدن آن‌ها فحشا به بار می‌آورد. موضوع حق رأی دادن زنان و غیره در درجه آخر اهمیت قرار دارد. ما می‌خواهیم مشروطیت را حفظ کنیم. اکنون که در ایران حق آزادی از ما سلب شده، به فکر زن‌ها افتاده‌اند!» (صحیفه امام، ۱۳۴۲: ج ۱: ۱۹۱).

تن‌نمایشگر در کلام آیت‌الله خمینی با فساد و فحشا و سوء مدیریت دولت هم‌نشان می‌شود. مطبوعات جناح سنتی نیز در برابر تلقی رایج از تن‌زانه و انتشار آن در سطح جامعه دست به عمل زدند و سعی در نشان دادن ابتذال و نواقص آن کرده و به آن معانی جدیدی منتسب نمودند. مهم‌ترین این کانون‌های سخن در گفتمان مقاومت را می‌توان نشریه «درس‌هایی از مکتب اسلام» دانست که فضای مقاومت در برابر گفتمان جنسی مسلط را تقویت می‌نمود.

به‌عنوان نمونه در برابر گفتمان پهلوی که از مسابقه دختران شایسته تلقی پیشرفت و پیروزی برای زنان داشت، گفتمان مقاومت از دختران شایسته‌ای که در این مسابقات معرفی می‌شوند تصویر معصومانهای ترسیم می‌کند که ناآگاهانه در دام سوءاستفاده قرار گرفته و سرنوشتی شوم برای آنان متصور می‌شود «مسابقات ملکه زیبایی، یک حلقه محاصره شیطانی برای سقوط شخصیت زنان، زن یک آلت دست!» (مکتب اسلام، ۱۳۵۳: ش: ۱۱). همچنین انتشار تن‌برهنه زنانه را در عرصه عمومی اقدامی در جهت ابتذال و انحراف نسل جوان می‌داند «سخن‌ماه: جنون جنسی، اینجانب از طرف تمام جوانان مجرد که تاکنون مبالغ‌گزافی صرف خرید مجله‌های سکسی خارجی از قبیل «پلی بوی و...»

می‌کردند از کارکنان دلسوز و خیرخواه سپاسگزاری می‌کنم، چون با این گام بزرگ خود خدمتی بس بزرگ به نسل منحرف و بدبخت امروزی کرده‌اند...!» (مکتب اسلام، ۱۳۵۰: ش: ۷) و در نتیجه به همراه گسترش تن‌نمایان زنانه و امر جنسی، در جامعه جرم و جنایت نیز رواج پیدا می‌کند. «چرا بعضی جوانان بر اثر تماشای فیلم‌های مسموم چنان تخدیر شده‌اند که از زندگی جز زندگی خیالی ستاره‌های سینما، کامیابی بی‌بندوبار و هوسرانی و مزاحمت دختران چیزی نمی‌فهمند، لابه‌لای کتاب‌های درسی به‌جای یادداشت‌های علمی مملو از عکس‌های لخت ستاره‌های سینماست، چرا باندهای دزدی از جوانان و حتی کودکان ده و نوزده ساله تشکیل می‌شود؟» (مکتب اسلام، ۱۳۵۳: ش: ۷).

همچنین فروپاشی نهاد خانواده را از پیامدهای جامعه‌ای می‌داند که در آن امر جنسی به واسطه حضور تن‌نمایان زنان به سرعت در حال انتشار است. «۲۰ هزار قربانی کوچولوی طلاق، چنان سخاوتمندانه اجازه می‌دهیم که فیلم‌های سینمایی و تلویزیونی و هنرنمایی‌های پاره‌ای از مطبوعات و کاباره‌ها و مانند آن‌ها همه سرمایه‌های ما را غارت کنند و جوانان و حتی بزرگسالان ما را به ابتذال بکشند، که هیچ آدم غافل و بی‌خبری چنین نمی‌کند...» (مکتب اسلام، ۱۳۵۲: شماره: ۳).



نمودار شماره ۲۰. مفصل‌بندی گفتمان مقاومت

### جامعه پاک مضمون صورت‌بندی گفتمان تازه

همانطور که ملاحظه شد اپیزودهای معنایی دو گفتمان انقلاب سفید و مقاومت، که هر یک توسط شاخص‌ترین نماینده دو جریان رقیب، یعنی حکومت و نهاد روحانیت تألیف شده؛ تن زنانه را به متن منازعات سیاسی خود وارد کرده و هر یک با انتساب معنی مورد نظر خود سعی در دستیابی به اهداف خود دارند.

درگیر و دار این منازعات سیاسی و غیریت‌سازی‌های گفتمانی به تدریج می‌توان شاهد ظهور گفتمانی بود که هم با شرایط جامعه با تجدد مواجه شده و هم با باورها و بنیادهای ریشه‌دار مذهبی و فرهنگی پیرامون تن زنانه سازگار است. در سپهر این گفتمان جامعه‌ای به تصویر کشیده می‌شود که در آن زن از محدودیت‌های تن به واسطه تأکید بر وجه انسانیت خارج شده، آزادانه و مسئولانه در عرصه عمومی و خصوصی نقش ایفا می‌کند. برای کشف ساختار سازنده چنین جامعه‌ای مرور گوشه‌ای از بیانات دکتر شریعتی و آیت الله مطهری به‌عنوان دو شخصیت تأثیرگذار در برساختن سوژه تن زوده در آستانه انقلاب می‌تواند راهگشا باشد. تشابهات و تفاوت‌هایی که میان روایت این دو از مفهوم جامعه پاک وجود دارد، می‌تواند از سازه‌ها و ناسازمهای درونی گفتمان مقاومت در مقابل شبه مدرنیته شاه خبر دهد.

### دکتر علی شریعتی

دکتر شریعتی آثار متعددی در زمینه زنان دارد و تدقیق در زمینه آراء او در این خصوص نیازمند مقاله مستقلی است. در این مجال بیش از همه بر تحلیل گفتمانی کتاب فاطمه فاطمه است متمرکز خواهیم بود.

کتاب فاطمه فاطمه است تلاش داشت تا زن مسلمان تحصیل کرده و روشنفکر عصر خود را متوجه شخصیت نمونه آرمانی زنی کند که در قبال پدرش، همسرش، فرزندانش، زمانه‌اش و سرنوشت جامعه و امتش مسئول و مبارز می‌ایستد تا رسالت اجتماعی خود را به بهترین وجه به سرانجام رساند. آنچه در ادامه می‌آید گزیده‌ای است از این کتاب که به‌نظر بازگوکننده مهم‌ترین ایده‌های مؤلف است.

«در جامعه و فرهنگ اسلامی سه چهره از زن داریم: یکی چهره سنتی و مقدس‌مآب، یکی چهره زن متجدد و اروپائی‌مآب که تازه شروع به رشد و تکثیر کرده است و یکی چهره

فاطمه و زنان "فاطمه‌وار"! که هیچ شباهتی و وجه مشترکی با چهره زن سنتی ندارد. سیمایی که از زن سنتی در ذهن افراد به مذهب در جامعه ما تصویر شده است با سیمای فاطمه همان قدر دور و بیگانه است که چهره فاطمه با زن مدرن» (شریعتی، ۱۳۸۵: ۴۳). در جامعه‌ای که اصالت از آن "تولید و مصرف" و "مصرف و تولید" اقتصادی است و تعقل نیز جز اقتصاد چیزی نمی‌فهمد، زن نه به‌عنوان موجودی خیال‌انگیز، مخاطب احساسات پاک، معشوق عشق‌های بسیار بزرگ، پیوند تقدس، مادر، همدم، کانون الهام، آیینه صادقی در برابر خویش‌راستین مرد، بلکه به‌عنوان کالای اقتصادی است که به میزان جاذبه جنسی‌اش، خرید و فروش می‌شود.

زن، به‌عنوان ابزار سرگرمی و به‌عنوان تنها موجودی که جنسیت و سکس‌والیته دارد، به‌کار گرفته شده، تا نگذارد کارگر و کارمند روشنفکر، در لحظات فراغت، به اندیشه‌های ضد طبقاتی و سرمایه‌داری بپردازند، و به‌کار گرفته شد که تمامی خلأ و حفره‌های زندگی اجتماعی را پر کند. و هنر به شدت دست به‌کار شد تا براساس سفارش سرمایه‌داری و بورژوازی، سرمایه‌ی هنر را - که همیشه زیبایی و روح و احساس و عشق بود - به "سکس" تبدیل کند.

دیگر اینکه سرمایه‌داری برای تشویق انسان‌ها به مصرف بیشتر و برای اینکه خلق را بیشتر به خود نیازمند کند و مقدار مصرف و تولید را بالا ببرد؛ زن را فقط به‌عنوان موجودی که سکس‌والیته دارد - و جز این هیچ، یعنی موجودی یک‌بعدی - به‌کار گرفت (شریعتی، ۱۳۸۵: ۹۳-۹۵).

ما زن را فراری داده و او به سادگی صیدش می‌کند، ما او را ضعیفه، پا شکسته، کنیز شوهر، مادر بچه‌ها (اصطلاح بردگی=ام ولد) و حتی "بی ادبی"، "منزل" و "بز"... لقب دادیم و خلقت او را از انسان جدا کردیم و بحث می‌کردیم که آیا زن می‌تواند خط داشته باشد یا نه؟ و استدلال می‌کردیم که اگر خط داشته باشد ممکن است به نامحرم بنویسد (و با این استدلال، خوب‌تر می‌بود که کورش می‌کردیم تا هرگز نامحرمی نبیند؟! در این صورت خیال آقای غیرتی - که تزلزل شخصیت ضعیفه خود را به شکل دلوپسی از بی‌وفائی همسرش احساس می‌کند - تا آخر عمر آسوده خواهد بود). تقوا و عفت زن را چنین حفظ

می‌کردیم، با دیوار و زنجیر، نه به‌عنوان انسان و با اندیشه و شعور و پرورش و شناخت... (شریعتی، ۱۳۸۵: ۱۰۰).

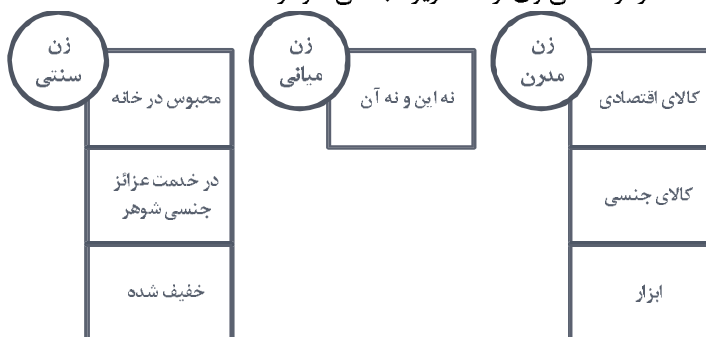
آنکه می‌تواند کاری بکند و در نجات، نقشی داشته باشد، نه زن سنتی است که در قالب‌های کهنه و آرام و رام خفته است، نه زن عروسکی جدید که در قالب‌های دشمن، سیر و اشباع شده است. بلکه زنی است که سنت‌های متحجر قدیم را- که به نام دین اما در واقع سنت قومی و ارتجاعی است- که بر روح و اندیشه و رفتار اجتماعی شان حکومت داده‌اند، می‌شکند و می‌تواند خصوصیات انسانی تازه را انتخاب کند (شریعتی، ۱۳۸۵: ۱۱۱-۱۱۲).

متن با تأکید بر مختصات جامعه‌ای ایده‌آل سعی می‌کند عناصر اصلی فضا‌ساز در این جامعه میانی را تعیین کند. این موقعیت میانی از اسلام بهره‌ی عمیقی دارد بی‌آنکه تن به اقتضائات آن در جامعه‌ی سنتی دهد، و در عین حال مشحون از احساس حضور در عرصه-ی مدرن است بی‌آنکه التزامات آن را برتابد. این موقعیت میانی با مرزبندی با دو الگوی مدرن و سنتی اتفاق می‌افتد. در این روایت مشخصات زن در جامعه مدرن به شرح زیراند:

- زن به‌عنوان کالای اقتصادی با محوریت جاذبه جنسی اوست.
  - زن به‌عنوان موجودی جنسی است که قرار است نیروی کار مرد را مشغول کنند تا اندیشه‌هایی علیه طبقات مسلط و نظام سرمایه‌داری نداشته باشد.
  - نظام سرمایه‌داری هنر را به خدمت گرفت تا موضوع خود را از عشق به سکس تغییر دهد.
  - تن جنسی زن ابزاری است در نظام سرمایه‌داری تا میزان مصرف مردم و در نتیجه سود خود را بالا ببرد.
- شریعتی با تصریح و تأکید بر اینکه همان اندازه که استعمار در تغییر شکل زن در جامعه ما نقش داشته خود ما هم نقش داشته‌ایم جایگاه زن در موقعیت زن سنتی را این‌گونه برمی‌سازد.

- زن در سنت احترام و ارزشی ندارد.
- تحت ستم و سلطه مردان است.
- محبوس در حریم خصوصی است.

- کارکرد اصلی وی ارضاء غریزه جنسی شوهر است.



نمودار شماره ۳. مفصل‌بندی گفتمان دکتر شریعتی

شایان ذکر است که آنچه در هر دو این روایت‌های انکار شده، وجه جنسی و تنانه زنان است. فی الواقع از منظر این روایت انتقادی هر دو گفتمان سنتی و مدرن، زن را به خدمت خواست‌های جنسی تقلیل داده‌اند. در میان این دو روایت است که گفتمان جامعه پاک شکل می‌گیرد.

جامعه‌ای که شریعتی خواهان بر ساخته شدن آن است و آن را از طریق تولد زن فاطمه‌وار امکان‌پذیر می‌داند دارای این ویژگی‌هاست:

- از نظر فردی این زن جایگاهی اسطوره‌ای و افسانه‌ای دارد.
  - مخاطب احساسات پاک و معشوقه عشق‌های بزرگ قرار می‌گیرد.
  - در ازدواج وارد پیوندی مقدس می‌شود.
  - مادر است.
  - همچون آینه‌ای در برابر مرد است.
- الگوی زن میانی در نظر شریعتی، تصویری قدسی و تن‌زدوده دارد. سوژه یک کنشگر آزادی خواهانه و مستقل از مناسبات سرمایه‌داری یا سنتی است. زن مد نظر شریعتی نماد یک جامعه پاک از همه ناپالودگی‌های عصر جدید و قدیم است.

## آیت‌الله مطهری

تلاش برای برساخت سوژه زنانه جدید را می‌توان در منظومه‌های گفتاری آیت‌الله مطهری به‌عنوان یکی دیگر از مهم‌ترین ایدئولوگ‌های انقلاب اسلامی نیز یافت که بر الگویی از زنانگی تأکید داشت که بر بازخوانی از اسلام راستین استوار بود. او به خلاف دکتر شریعتی تلاشی برای نقد جامعه سنتی نمی‌کند، بلکه جامعه پاک او کم و بیش همان جامعه سنتی است و در مقابل جامعه مدرن به منزله جامعه برهنه، تعریف می‌شود.

بدون شک پدیده "برهنگی" بیماری عصر ماست. دیر یا زود این پدیده به‌عنوان یک "بیماری" شناخته خواهد شد... اگر می‌خواهید ببینید کار برهنگی در غرب به کجا رسیده و فریاد چه کسانی را بلند کرده است این قسمت از نامه یکی از هنرپیشگان معروف جهان را به دخترش که به قول خودش چهل سال مردم روی زمین را خندانده است بخوانید:

«... برهنگی بیماری عصر ما است... بد نیست اگر اندیشه تو در این‌باره مال ده سال پیش باشد، مال دوران پوشیدگی...» (مطهری، ۱۳۵۳: ۱۲).

در محیط‌های پاک اسلامی این مرد بود که حق نداشت در نشست و برخاست‌ها از زن بیگانه بهره‌برداری کند. این مرد است که همواره حرص می‌ورزد که زن را وسیله چشم‌چرانی و کامجویی خود قرار دهد. هیچ‌گاه مرد به طبع خود مایل نبوده حائلی میان او و زن وجود داشته باشد... امروز که مردان موفق شده‌اند با نام‌های فریبنده آزادی و تساوی و غیره این حائل را از میان ببرند، زن را در خدمت کثیف‌ترین مقاصد خویش گرفته‌اند. بردگی زن، امروز به چشم می‌خورد که برای تأمین منافع مادی یک مرد در یک مؤسسه تجارتي خود را صد قلم برای جلب مشتری مرد می‌آراید و به‌صورت "مانکن" درمی‌آید و شرف خود را در ازاء چندرغاز حقوق می‌فروشد.

... مرد هیچ‌گونه حق استفاده اقتصادی از زن ندارد. این مسئله که زن استقلال اقتصادی دارد از مسلمات قطعی اسلام است... زن می‌تواند هر نوع کاری همین قدر که فاسدکننده خانواده و مزاحم حقوق ازدواج نباشد، برای خود انتخاب کند و درآمدش هم منحصرأ متعلق به خود او است (همان: ۳۶-۳۷).



از نظر ما در مرد تمایل به عفاف و پاک‌ی زن وجود دارد، یعنی مرد رغبت خاصی دارد که همسرش پاک و دست‌نخورده باشد، همچنانکه در خود زن نیز تمایل خاصی به عفاف وجود دارد... (همان: ۴۳).

«از نظر اسلام محدودیت کامیابی‌های جنسی به محیط خانوادگی و همسران مشروع، از جنبه‌ی روانی به بهداشت روانی اجتماع کمک می‌کند، و از جنبه‌ی خانوادگی سبب تحکیم روابط افراد خانواده و برقراری صمیمیت کامل بین زوجین می‌گردد، و از جنبه‌ی اجتماعی موجب حفظ و استیفاء نیروی کار و فعالیت اجتماع می‌گردد، و از نظر وضع زن در برابر مرد، سبب می‌گردد که ارزش زن در برابر مرد بالا رود» (همان: ۶۸).

اسلام تدابیری برای تعدیل و رام کردن این غریزه اندیشیده است و در این زمینه هم برای زنان و هم برای مردان، تکلیف معین کرده است... یک وظیفه هم خاص زنان مقرر فرموده است و آن این است که بدن خود را از مردان بیگانه پوشیده دارند و در اجتماع به جلوه‌گری و دلربایی نپردازند. به هیچ‌وجه و هیچ‌صورت و با هیچ شکل و رنگ و بهانه‌ای کاری نکنند که موجبات تحریک مردان بیگانه را فراهم کنند (همان: ۷۱).  
اما علت اینکه در اسلام دستور پوشش اختصاص به زنان یافته است این است که میل به خود نمائی و خودآرائی مخصوص زنان است... (همان: ۷۳).

فلسفه پوشش و منع کامیابی جنسی از غیر همسر مشروع، از نظر اجتماع خانوادگی این است که همسر قانونی شخص از لحاظ روانی عامل خوشبخت کردن او به‌شمار برود، درحالی‌که در سیستم آزادی کامیابی، همسر قانونی از لحاظ روانی یک نفر رقیب و مزاحم و زندانبان به‌شمار می‌رود و در نتیجه کانون خانوادگی براساس دشمنی و نفرت پایه‌گذاری می‌شود (همان: ۷۴).

هم‌معنا انگاری مفهوم جامعه برهنه با جامعه بیمار و جامعه پوشیده با جامعه سالم در متن دیده می‌شود و به تعبیر دلوز اگرچه این مفاهیم با یکدیگر سنخیت ذاتی ندارند، اما با همدیگر هم‌نشان می‌شوند و بنابراین مختصاتی نظیر علت، درمان و جلوگیری که خاص بیماری است در مورد جامعه برهنه نیز صدق می‌کند.

متن برای اثبات اینکه این وضعیت بیمارگون است به آینده‌ای نامعلوم که همگان ماهیت این پدیده را درک خواهند کرد و همچنین به گفته‌ای از فردی معروف در غرب در

رابطه با سرخوردگی از وضعیت برهنگی در جامعه مدرن و بازگشت به گذشته استناد می‌کند. این امر آغاز فضا سازی از دو جامعه سنتی و مدرن است که زمینه تکوین گفتمان جامعه پاک و ضرورت ایجاد آن را فراهم می‌آورد.

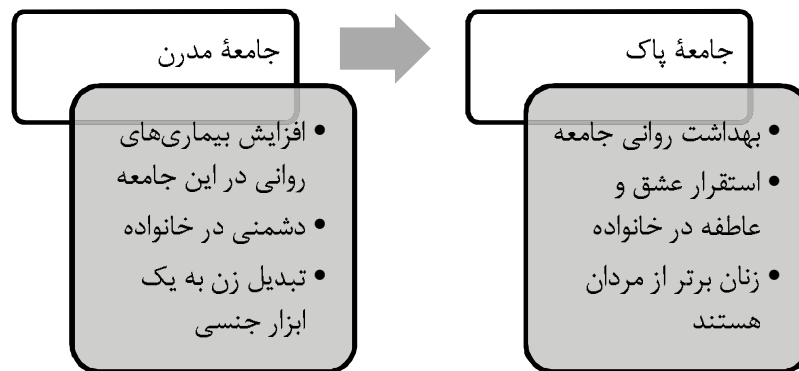
متن با دو گانه‌انگاری طبع زنانه، مردانه به جای طبع انسانی به توصیف هر یک از این طبع‌ها می‌پردازد و از همین جا علت وقوع بیماری آشکار می‌شود. طبع مردان این است که دوست ندارند حائلی میان او و زنان باشد. علت وقوع این بیماری حرص ورزی مردان در بهره‌جوئی از زنان بوده است.

همچنین در طبع زنان است که خودآرایی کنند و توجه مردان را به خود جلب کنند و مرد نیز تمایل به تصاحب تن زن دارد، اما این زن است که به خاطر طبع خود می‌خواهد مرد را به دام علاقه خود بیندازد و در این راه متمسک به انحراف، تبرج و برهنگی می‌شود. بنابراین راه جلوگیری از این بیماری ایجاد دایره‌ای از ممنوعیت‌ها نظیر پوشش، ممنوعیت جلوه‌گری و تحریک مردان بر تن زنانه است که باعث تضمین سلامت جامعه خواهد شد.

جامعه مدرن در متن با محوریت تن زنانه این‌گونه توصیف شده است؛ وضعیت جامعه: انتشار امر جنسی در عرصه عمومی موجب افزایش بیماری‌های روانی شده است.

وضعیت خانواده: کانون خانوادگی براساس نفرت و دشمنی است. جایگاه زنان: زن در این جامعه موجودی جنسی در خدمت نظام مردانه و سرمایه‌داری است.

ترسیم عناصر فضا سازی در جامعه سنتی از نظر گفتمان میانی (جامعه پاک). وضعیت اجتماعی: بهداشت روانی جامعه و فعالیت نیروی کار در جامعه تأمین است. خانواده: صمیمیت بین زوجین و تحکیم خانواده در جامعه برقرار است. جایگاه زنان: مرد باید با تن خود نظر او را جلب کند. مسئول فساد زنان نیز مردان هستند. زن در عرصه عمومی حضور دارد، بدون آنکه مورد بهره‌برداری مردان قرار گیرند. مردان در مواجهه با زنان دچار محدودیت هستند. مرد، حتی همسر زن، حق استفاده اقتصادی از زن ندارد. ارزش زن در برابر مرد بالاتر است.



نمودار شماره ۴۰. مفصل‌بندی گفتمان آیت‌الله مطهری

با توجه به غلبه اجتناب‌ناپذیر ارزش‌های مدرن متن به ضرورت تحقق جامعه پاک اشاره می‌کند، اما از آنجا که متن در فضای گفتمان مدرن تکوین می‌یابد، بنابراین با منطق مدرن سعی در توجیه وضعیت سنت و تحقق ایده جامعه پاک که پاسخگوی نیاز به جامعه‌ای آرمانی و ایده‌آل است دارد. جامعه‌ای که تن جنسی در آن حضور ندارد.

علت و ضرورت ایجاد جامعه پاک

متن دوباره با تکیه بر استراتژی دوگانه‌نگاری طبع انسان برحسب جنسیت او علت ضرورت تحقق جامعه پاک را نشان می‌دهد:

- در سطح فردی: مرد تمایل دارد زنش پاک باشد. زن نیز تمایل به عفاف دارد و این حس در جهت تداوم نهاد خانواده است، پس باید از اختلاط جلوگیری کرد.
- در سطح خانواده: با پاک شدن عرصه عمومی از تن زنانه جنسی و محدود شدن التذاذات جنسی در چارچوب خانواده روابط خانوادگی تحکیم می‌شود.
- در سطح اجتماعی: بهبود نیروی کار، پیشرفت و بهداشت روانی اجتماع محقق خواهد شد.

ملاحظه می‌کنیم که گفتمان جامعه پاک دست‌کم از منظر دو نفر از اصلی‌ترین ایدئولوگ‌های آن - علی شریعتی و مرتضی مطهری - از یک ساختار دوگانه بهره‌مند است. به حسب یک روایت جامعه پاک ساختاری متفاوت از هر دو ساختار شناخته شده سنت و مدرن دارد. به حسب روایت دیگر، جامعه پاک بیشتر با جامعه مدرن مرزبندی دارد و بیشتر هم‌نشان و هم‌ساختار جامعه سنتی است. می‌توان روایت دکتر شریعتی را یک روایت اتوپییایی خواند که در موقعیت بسیج انقلابی راه‌گشاست. در حالی که روایت آیت‌الله مطهری بیشتر مقتضی شرایط ایدئولوژیک و استقرار است.

دو روایت مذکور در عین حال بیانگر دو طبقه و گروه اجتماعی حاضر در موقعیت انقلابی هستند. نخست طبقات تحصیل‌کرده و مدرن شهری و دوم طبقات سنتی. یکی هم‌سو با فضای شبه مدرنی زمان پهلوی خواهان جهش به سمت یک موقعیت آرمانی از جنس مدرن است و دیگری خواهان بازگشت به شرایط مطلوب از دست رفته. به‌رغم تفاوت‌های مشهود میان این دو روایت، اما به هر حال این دو در آستانه‌ی انقلاب در مواجهه با یکدیگر ظاهر می‌شوند و علی‌رغم برخی تعارض‌هایی که دارند، عناصر اصلی سازنده گفتمان جامعه پاک می‌شوند. این گفتمان در عرصه خصوصی زن را واجد همه مشخصات سنتی زن ایرانی می‌بینید، اما در عین حال از رهگذر روایتی تن‌زدوده و پوشیده از زن او را به عرصه عمومی فرا می‌خواند:



نمودار شماره ۵. فضا استعاری گفتمان جامعه پاک در آستانه انقلاب اسلامی ۱۳۵۷

این روایت امکانی برای رهایی از دال مرکزی مبتنی بر برهنگی و تن نمایشگر زنانه است. همین تغییر دال مرکزی است که زمینه‌ساز جایگزینی زن پوشیده به منزله یک دال کانونی برای گفتمان جامعه پاک می‌گردد.

### نتیجه‌گیری

در این مقاله نشان داده شد که مقوله پوشش زنانه موضوعی است بسیار پیچیده‌تر از نقض یا اعمال محدودیت‌های شریعت بر تن زنانه. تن زنانه و الگوی پوشش آن به یک دال محوری تبدیل شده است که به قول لاکلا و موفه منظومه‌ای از دال‌ها را به نحو ایدئولوژیک روکش کرده و به آن‌ها سنخیت مشترک بخشیده است. کانونی شدن پوشش زنانه در گردش‌های گفتاری در جامعه ایرانی از دو حیث حائز اهمیت است: نخست از حیث پرده برداشتن از سنخ فرهنگی اجتماعی جامعه ایرانی و دوم از حیث پرده برداشتن از الگوی سامان‌یابی و چرخش گفتارهای سیاسی در حیات اجتماعی و سیاسی ایرانیان.

از حیث فرهنگی و اجتماعی می‌توان پوشش تن را از دریچه‌های ورود به سطوح ناخودآگاه ذهنیت اجتماعی و فرهنگی دانست. جامعه ایرانی دل‌مشغول ساختن جماعت اصلی است که در طول حیات تاریخی مستمراً به تعویق افتاده است. درست در نقطه مقابل فردیت اصیل که وجه به تعویق افتاده فرهنگ اروپایی و حتی فرهنگ شرقی است. ابژه سازمان‌دهنده به مطلوبیت‌های اسلامی بیش از آنکه به یک فرد مؤمن بیندیشد به جماعت مؤمن می‌اندیشد و فرد مؤمن را در درون سازوکارهای آن تعریف می‌کند. محوریت شریعت در فرهنگ و تاریخ اسلامی دقیقاً از همین الگوی مطلوبیت تبعیت می‌کند.

شریعت به معنای سازمان دادن به ظواهر و جوانبی است که در دیدرس عموم واقع می‌شوند. الگوی کسب و کار، و رابطه‌های اجتماعی و مهم‌تر از همه پوشش از جمله جوانبی است که سطوح در معرض دید جامعه دینی را ساماندهی می‌کند. در این میان دیده شدن زنان از اهمیت خاصی به‌رمنند است. دیده شدن زنان پدیده‌ای است که در صورت کثرت، ساختار یک جامعه دینی اصیل را در معرض مخاطره قرار می‌دهد. اگر هم ضرورتی حضور زنان را در عرصه عمومی ضروری می‌کند، هرچه پوشیده‌تر بودن آنان موجب می‌شود که چهره یک جامعه دینی کمتر موضوع جراحی واقع شود.

نکته دوم به جامعه مدرن و صورت‌بندی‌های قدرت و مقاومت در درون گفتارهای بسیج‌کننده در این دوران مرتبط است. در این مقاله مشاهده کردیم که نظم پهلوی برای فراهم آوردن زمینه‌های پرش به دنیایی دیگر و متفاوت با گذشته، هر دو ساختار بنیادین تصویر ایرانیان از زیست جمعی اصیل را موضوع هجوم قرار می‌دهد. در وهله اول تلاش می‌کند عرصه عمومی را از حضور زنان پر کند و هم با حدّی از عریانی تصویر دیگری از الگوی مطلوب عرضه کند.

مشاهده کردیم که ناکارآمدی‌های پهلوی در بسیاری از زمینه‌ها عرصه را برای ظهور یک گفتمان مقاومت گشود. مشخصات این گفتمان چنان‌که در این مقاله بررسی کردیم رجعت صرف به تصویر سنتی و پیشین از یک جامعه اسلامی متشرع و عاری از حضور زنان نیست، بلکه به منزله یک گفتمان مقاومت در دوران مدرن، بر حضور زنان در عرصه عمومی تمکین می‌کند، اما تلاش دارد این عرصه را با الگوی تازه‌ای از پوشش و مراوده دوجانبه تحت کنترل درآورد. جامعه پاک به این معنا یک جامعه مدرن، اما تحت کنترل ابژه مطلوب ذهنیت فرهنگی و تاریخی ایرانیان است. به عبارتی دیگر گفتمان جامعه پاک تصویر تاریخی از یک جامعه اصیل را با مشخصات دوران مدرن بازسازی و احیا می‌کند.

## منابع

- اطلاعات بانوان (۱۳۵۰)، ۱۵۰ زن لخت شدند که حقوق خود را از مردان بگیرند، شماره ۷۴۰، ص ۷.
- اطلاعات بانوان (۱۳۵۱)، در سرزمینی که سکس مرزی ندارد، شماره ۷۹۴، ص ۵.
- پیرنیا، منصوره (۱۳۷۴)، سالار زنان، لوس آنجلس: انتشارات مهر ایرانیان.
- پهلوی، محمدرضا (بی تا)، پاسخ به تاریخ، بی جا: بی نا.
- پهلوی، محمدرضا (۱۳۴۵)، انقلاب سفید، تهران: انتشارات بانک شاهنشاهی.
- خالقی دامغانی، احمد (۱۳۸۱)، قدرت، زبان، زندگی روزمره در گفتمان فلسفی - سیاسی معاصر، پایان نامه دکتری، دانشگاه تهران.
- خمینی، روح‌الله (بی تا) کشف‌الاسرار، بی جا، بی نا.
- دریفوس، هیوبرت؛ رابینو، پیل (۱۳۸۷)، میشل فوکو فراسوی ساختارگرایی و هرمنوتیک، ترجمه حسن بشیریه، تهران: نشر نی.
- دیوید مارش و جری استوکر. روش و نظریه در علوم سیاسی، ترجمه و تدوین امیرمحمد حاجی یوسفی، تهران: انتشارات مطالعات راهبردی.
- زن روز (۱۳۵۴)، دختران آوای پیروزی از دور به گوش می‌رسد، شماره ۶۷۳، ص ۳۰.
- سلطانی، سیدعلی اصغر (۱۳۸۷)، قدرت، گفتمان و زبان سازوکارهای جریان قدرت در جمهوری اسلامی ایران، تهران: نشر نی.
- شریعتی، علی (۱۳۸۵)، زن؛ مجموعه آثار ۲۱، تهران: بنیاد فرهنگی دکتر علی شریعتی.
- صحیفه امام، جلد یکم.
- فاتحی، ابوالقاسم؛ اخلاصی، ابراهیم (۱۳۸۹)، گفتمان جامعه‌شناسی بدن و نقد آن بر مبنای نظریه حیات معقول و جهان‌بینی اسلامی، معرفت فرهنگی اجتماعی، شماره ۲، ص ۵۷-۸۲.
- غلامرضا کاشی، محمدجواد (۱۳۸۶)، مقدمه در کتاب امر و انموده، تهران: انتشارات روشنگران و مطالعات زنان.
- فالاجی، اوریانا (۱۳۵۷)، مصاحبه با تاریخ‌سازان، ترجمه پیروز ملکی، تهران: نشر امیرکبیر.
- فوزی، یحیی (۱۳۷۹)، رهبران مذهبی و مدرنیزاسیون در ایران در دوره پهلوی قسمت اول، متین، شماره ۹، ص ۱۴۱-۱۶۸.
- کیوان آرا، محمود (۱۳۸۶)، اصول و مبانی جامعه‌شناسی پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، اصفهان.
- مطهری، مرتضی (۱۳۵۳)، مسئله حجاب، تهران: انتشارات صدرا.
- مکتب اسلام (۱۳۵۰)، سخن ماه: جنون جنسی، شماره ۷، ص ۲-۵.
- مکتب اسلام (۱۳۵۲)، ۲۰ هزار قربانی کوچولوی طلاق، شماره ۳، ص ۳.

- مکتب اسلام (۱۳۵۳)، مسابقات ملکه زیبایی (سیری در مطبوعات)، شماره ۱۱، ص ۳۷-۳۸.
- مکتب اسلام (۱۳۵۳)، ارتباط فساد نسل جوان با فیلم‌ها، شماره ۷، ص ۳۰.
- میلز، سارا (۱۳۸۹)، میشل فوکو، ترجمه داریوش نوری، تهران: نشر مرکز.
- نشریه ۱۵ خرداد، طرح رژیم شاه در برخورد با حجاب در سال ۱۳۵۵، شماره ۲۰/۱۹، سال چهارم، زمستان ۱۳۷۴، ص ۶۴-۶۵.
- هوارث، دیوید (۱۳۷۷)، نظریه گفتمان، ترجمه علی اصغر سلطانی، نشریه علوم سیاسی، شماره ۲.

- Fairclough, N (2005) Critical discourse analysis in transdisciplinary research: in A new agenda in (critical) discourse analysis: Theory, methodology and interdisciplinarity, Edited by Ruth Wodak and Paul Chilton, North America: John Benjamins Publication.
- Given, Lisam (2008) The SAGE Encyclopedia of qualitative research methods. London: Sage publication
- Jorgenson and Philips, L (2002) , Discourse Analysis as Theory and Method, London: Sage publication.
- Lazar, Michelle M (2008) Politicizing Gender In Discourse Feminist Critical Discourse Analysis as Political Perspective and Process In: The Handbook of Communication in the public sphere, Edited by Ruth Wodak and Veronica Koller, Berlin New York: MoutondeGruyter.



# حمایت شبکه‌های اجتماعی و رضایت از زندگی خانوادگی زنان متأهل شهر اردبیل

خدیجه سفیری<sup>۱</sup>  
لیلا قرآنی دامد اباجا<sup>۲</sup>

تاریخ دریافت: ۹۰/۱۲/۲۵ تاریخ پذیرش: ۹۱/۳/۲۴

## چکیده

مطالعه حاضر به بررسی تأثیر حمایت شبکه‌های اجتماعی غیررسمی بر رضایت از زندگی خانوادگی زنان متأهل می‌پردازد. برای بررسی از نظریه منابع اجتماعی استفاده شده است. این مطالعه با روش پیمایش و با استفاده از پرسشنامه انجام شده است. جامعه آماری را کلیه زنان متأهل شهر اردبیل تشکیل می‌دهند. حجم نمونه ۳۶۷ نفر است که با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای انتخاب گردید. ضریب آلفای ۰.۸۹۴ برای متغیر رضایت از زندگی خانوادگی نشان‌دهنده پایایی مناسب برای این ابزار بوده و این متغیر از اعتبار صوری (نظر اساتید) برخوردار می‌باشد.

نتایج پژوهش حاکی از آن است که میزان رضایت از زندگی خانوادگی زنان و نیز میزان حمایت دریافتی از شبکه‌های غیررسمی در حد متوسط رو به بالاست. در بین شبکه‌های غیررسمی، خانواده، بیشترین میزان حمایت و شبکه‌های همسایگی، کمترین میزان حمایت را داشته‌اند. علاوه بر آن، در مقایسه تأثیر رابطه انواع حمایت شبکه‌های غیررسمی با رضایت از زندگی خانوادگی، رابطه حمایت عاطفی از همبستگی بالاتری برخوردار می‌باشد. نتایج رگرسیون نیز نشان می‌دهد که بین حمایت شبکه‌های غیررسمی و رضایت از زندگی خانوادگی زنان رابطه معنادار است.

واژگان کلیدی: شبکه اجتماعی، حمایت اجتماعی غیررسمی، رضایت از زندگی خانوادگی

---

۱. استاد گروه علوم اجتماعی دانشگاه الزهرا / [m\\_safiri@yahoo.com](mailto:m_safiri@yahoo.com)  
۲. کارشناس ارشد پژوهشگری علوم اجتماعی دانشگاه الزهرا / [ghorani\\_bidar@yahoo.com](mailto:ghorani_bidar@yahoo.com)